

الله أكبر
الرحمن الرحيم

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و
نوآوری‌های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه
متعلق به دانشگاه رازی است.



دانشکده علوم اجتماعی
گروه علوم سیاسی

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی

عنوان پایان نامه:

تأثیر عبدالرحمن کواکبی در چرخش نظریه پردازي سياسي اهل سنت

استاد راهنما:

دکتر طهماسب علیپوریانی

استاد مشاور:

دکتر ایرج رنجبر

نگارش:

عبدالکریم کریمی

بهمن ماه ۹۲

تقدیم به:

به روح همکار فقید و فراموش نشدنی ام مرحوم منصور نظری تنکابنی دبیر زبان خارجه دبیرستان های جوانرود و

ناحیه یک کرمانشاه که در پائیز ۱۳۸۴ به همراه فرزند دلبندهش امیر ارسلان دارفانی را وداع و به دیار باقی

شافتند. روحشان جاودان و یادشان گرامی.

تقدیر و تشکر:

پاسکزار استاد اهنایم جناب آقای دکتر طهاسب علیپوریانی، هستم که در راستای اصلاح این رساله زحمات فراوانی تقبل فرمودند و

بزرگواران، ساعت‌ها از وقت خود را در اختیارم نهادند و از محضرشان دانش و انسانیت آموختم و همچنین استاد مشاورم جناب آقای دکتر

ایرج رنجبر، هستم که مهربانی و لطفشان وصف‌ناپذیر است.

پاسکزار تمامی اساتید گروه علوم سیاسی دانشگاه رازی که در دوره‌ی ارشد علوم سیاسی از محضرشان علاوه بر دانش، اخلاق و بزرگواری

آموختم.

در پایان نیز پاسکزار اساتیدی، هستم که به عنوان داور، بزرگواران زحمت خواندن و اصلاح این پایان‌نامه را تقبل می‌فرمایند.

چکیده:

سقوط امپراتوری عثمانی (در سال ۱۹۲۲/م)، پیدایش دولت‌های جدید اسلامی، تشکیل دولت اسرائیل در درون قلمرو اسلامی و ضعف اساسی دولت‌های اسلامی، بیانگر وجود ناکارآمدی ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جوامع اسلامی در مقابل قدرت نوظهور غرب و به عبارتی گفتمان مدرنیته‌ی غربی بود. در این میان سرگستگی ناشی از تقابل سنت و مدرنیته از یک سو و تمایل همزمان به نمادهای سنت و نوآوری‌های مدرنیته از دیگر سو، جوامع اسلامی را با هویتی نوساخته و نسبتاً التقاطی مواجه نمود. واکنش روشنفکران و پیدایش گفتمان‌های غرب‌گرایی و سنت‌گرایی و رویکرد متفاوت آنها به مسئله‌ی هویت از پیامدهای پیدایش این وضعیت در فضای فکری و سیاسی جوامع اسلامی بود.

سیدجمال الدین اسدآبادی و شاگردانش به مثابه‌ی طرفداران گفتمان سنت‌گرایی با رویکردهای نواندیشانه خواهان رجوع به گذشته‌ی اسلام و احیای فرهنگ و نمادهای اسلام واقعی بودند و در مقابل غرب‌گرایان که خواهان عرفی نمودن جوامع اسلامی بودند. گسترش این مناقشات و رویکردهای متفاوت و حتی مخالف هم، بخشی مهم از فضای فکری و سیاسی جوامع اسلامی را درگیر منازعات بی پایان خود در قالب ستیز سنت‌گرایان و غرب‌گرایان و نواندیشان دینی، ساخت.

این پژوهش در راستای پاسخگویی به این پرسش اساسی فراهم شده است که آرای عبدالرحمن کواکبی در مناقشات عرفی‌گرایان و نواندیشان دینی در مقوله‌ی نظریه‌پردازی اهل سنت چه تأثیری گذاشته است؟ یافته‌های پژوهش گویای آن است که نواندیشان دینی در مخالفت با عرفی‌گرایان که به ناهمخوانی آموزه‌های دینی و مدرن و نیز به باز تولید استبداد در آموزه‌های دینی و سنتی اذعان دارند، آرای کواکبی را به عنوان مدلی همخوان برای اسلام و مدرنیته در امر سیاست برجسته می‌نمایند که علاوه بر توان ممانعت از پیدایش استبداد، توان مقابله با استعمار را نیز دارد.

کلید واژه‌ها: استبداد، حکومت دینی، نظریه پردازی سیاسی، مردم سالاری، کواکبی.

فهرست مطالب

عنوان صفحه

فصل اول: کلیات

۱-۱	بیان مسئله	۲
۲-۱	پیشینه و ادبیات موضوع	۴
۳-۱	سؤال اصلی پژوهش	۵
۴-۱	فرضیه‌ی اصلی پژوهش	۵
۵-۱	متغیرها	۶
۱-۵-۱	متغیر مستقل	۶
۲-۵-۱	متغیر وابسته	۶
۶-۱	روش تحقیق	۶
۷-۱	روش آزمون فرضیه	۶
۸-۱	دامنه‌ی زمانی و مکانی	۶
۹-۱	چارچوب نظری پژوهش	۶
۱۰-۱	اهمیت پژوهش	۷
۱۱-۱	اهداف تحقیق (پایان نامه)	۷
۱۲-۱	سازماندهی تحقیق	۸

فصل دوم: بنیادهای نظریه پردازى سیاسى کلاسیک اهل سنت با تأکید بر آراء و نظریات (ابوالحسن ماوردی، امام محمد غزالی، بدرالدین ابن جماعه = تئوری پردازان استبداد)

۱-۲	مقدمه	۱۰
۲-۲	ابوالحسن ماوردی (بیوگرافی)	۱۰
۳-۲	گرایش‌های سیاسی ماوردی	۱۲
۴-۲	نکات اصلی نظریه ماوردی	۱۴
۵-۲	نگارش‌های سیاسی ماوردی	۱۵
۶-۲	امام محمدغزالی (بیوگرافی)	۱۶
۱-۶-۲	بررسی اندیشه سیاسی امام محمدغزالی	۱۷
۲-۷-۲	ابن جماعه (بیوگرافی)	۲۳
۱-۷-۲	آثار و تفکرات سیاسی ابن جماعه	۲۳
۲-۷-۲	اندیشه سیاسی ابن جماعه	۲۴
۸-۲	نتیجه گیری	۲۶

فصل سوم: زمینه‌های اندیشه سیاسی عبدالرحمن کواکبی در دو زمینه‌ی سیاسی و اجتماعی

۱-۳	مقدمه	۲۸
۲-۳	شرح حال (بیوگرافی) کواکبی	۲۸
۳-۳	اشتراکات فکری سیدجمال الدین اسدآبادی و کواکبی	۳۰

۳۰
۳-۴	اختلاف نظر سیدجمال الدین اسدآبادی با کواکبی
۳-۵	تفاوت مهم اندیشه‌های کواکبی با اندیشمندان واقع‌گرا = تئوری پردازان استبداد (ماوردی، غزالی، ابن جماعه) درباره‌ی آزادی
۳۲
۳-۶	نگارش‌های سیاسی کواکبی
۳۳
۳-۶-۱	طبایع الاستبداد
۳۳
۳-۶-۲	ام القری
۳۴
۳-۷	معنای لغوی و اصطلاحی استبداد
۳۵
۳-۸	تأثیر استبداد بر دین
۳۶
۳-۹	تأثیر استبداد بر علم
۳۸
۳-۱۰	تأثیر استبداد بر اخلاق
۴۰
۳-۱۱	تأثیر استبداد بر تربیت
۴۲
۳-۱۲	تأثیر استبداد بر بزرگی
۴۳
۳-۱۳	تأثیر استبداد بر مال
۴۵
۳-۱۴	تأثیر استبداد بر پیشرفت
۴۶
۳-۱۵	راه‌های رهایی از استبداد از دیدگاه کواکبی
۴۷
۳-۱۶	رابطه دین و سیاست از نظر کواکبی
۴۷
۳-۱۷	نتیجه‌گیری
۴۸

فصل چهارم: بنیادهای اندیشه سیاسی کواکبی

۴-۱	مقدمه
۵۰
۴-۲	عصر کواکبی
۵۰
۴-۳	اندیشه سیاسی کواکبی
۵۵
۴-۴	نظر کواکبی در رابطه با تجدید خلافت
۵۶
۴-۵	کواکبی و سکولاریسم
۵۷
۴-۶	حکومت مردم
۵۸
۴-۷	حاکمیت عمومی
۶۰
۴-۸	قانون‌گرایی
۶۰
۴-۹	نظارت عمومی
۶۱
۴-۱۰	شعور سیاسی ضامن حاکمیت سیاسی
۶۳
۴-۱۱	آزادی سیاسی
۶۴
۴-۱۲	مبارزات سیاسی
۶۵
۴-۱۳	بهشت دینی (جامعه مدنی) کواکبی
۶۷
۴-۱۴	نتیجه‌گیری
۶۷

فصل پنجم: تأثیرات اندیشه سیاسی کواکبی

۵-۱	مقدمه
۶۹

۶۹ تأثیر عبدالرحمن کواکبی بر نویسندگان عرب
۷۱ تأثیر عبدالرحمن کواکبی بر اندیشه های محمدرشیدرضا
۷۳ اندیشه ی سیاسی محمدرشیدرضا (احیاء اسلام و عنوان بازگشت به بزرگان اسلام سلفیه)
۷۴ تکوین ناسیونالیسم عرب
۷۵ تأثیر اندیشه سیاسی کواکبی بر اخوان المسلمین
۷۸ اصول اندیشه سیاسی اخوان المسلمین
۷۸ تأثیر پذیری کواکبی
۷۹ نتیجه گیری

فصل ششم: نتیجه گیری و جمع بندی نهایی

۸۱ نتیجه گیری و جمع بندی
۸۳ بررسی روند گسترش اسلام سیاسی در جهان اسلام
۸۳ ۱-۲-۶- خصایص موج اول (بیداری اسلامی و اصلاحی)
۸۳ ۳-۶- نکات برجسته و قابل تأمل اندیشه کواکبی
۸۴ ۴-۶- دردهای جامعه اسلامی و رمز عقب ماندگی مسلمانان از دیدگاه کواکبی
۸۵ منابع

فصل اول

کلیات

۱-۱- بیان مسئله:

انحطاط و عقب‌ماندگی داخلی و هجوم گسترده و همه‌جانبه‌ی استعمار غربی به جهان اسلام در قرون اخیر، دو مسئله محوری و عمده با ابعاد و آثار و عوارض فکری، فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی، اجتماعی، بود که مسلمانان بلاد و اقشار گوناگون جوامع مسلمان اعم از سیاستمداران، روشنفکران، علما، و متفکران را به واکنش واداشت. در پی تحولات داخلی در جهان اسلام، مسلمانان از یک طرف گرفتار فقر و فلاکت، جهل و خمود، ظلم و استبداد، فساد و تباهی و خواب و غفلت شده، در نهایت عجز و درماندگی و عقب‌ماندگی دست و پا می‌زدند و از طرف دیگر در چنان وضعیت داخلی آن‌ها در معرض هجوم غرب و ورود تمدن جدید غربی قرار گرفتند که با دو چهره‌ی دانش، تفکر جدید، صنعت، تکنولوژی و چهره‌ی سیاسی استعماری و غارتگرانه متوجه جهان اسلام شده بود. این دو مسئله اساسی یعنی انحطاط و عقب‌ماندگی داخلی و مسئله غرب (استبداد داخلی، استعمار خارجی) در پیوند تنگاتنگ با یکدیگر مصائب و مشکلات عدیده‌ای را برای جوامع مسلمان در دوره‌ی معاصر به همراه داشت. هر چند که متن حوادث تحولات سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی داخلی در بلاد اسلامی و در ارتباط با غرب نیز در گسترش و پیشرفت این واکنش‌ها تأثیر داشت.

در یک تقسیم‌بندی کلی و اولیه سه دسته از واکنش‌ها و نهضت‌ها از هم قابل تفکیک و تشخیص‌اند:

۱- واکنش‌ها و نهضت‌های سیاسی، نظامی و اجتماعی.

۲- واکنش‌ها و نهضت‌های فکری، فرهنگی و اعتقادی.

۳- واکنش‌ها و نهضت‌های جامع و کامل.

در یک تقسیم‌بندی دیگر واکنش‌های مسلمانان در دو قرن اخیر را می‌توان در دو دسته و جریان زیر

خلاصه کرد:

۱- جریان پیروی از تمدن غرب، از غرب‌گرایی تا غرب‌زدگی (تجدد).

۲- جریان احیاء و بازسازی تفکر دینی، از بنیاد‌گرایی تا رادیکالیسم اسلامی (اصلاح طلبی دینی).

این تقسیم‌بندی بر اساس مبنای فکری و راه‌حل‌های خاص هر یک است که مشخصاً جریان اول، در تفکر جدید و اندیشه‌های سیاسی اروپا ریشه دارد و کاملاً غیر دینی است، ولی جریان دوم ریشه در دین و تفکر دینی دارد.

مسئله‌ی احیاء و تجدید حیات اسلام و بیداری مسلمانان و در مرحله پیشرفته‌تر آن تجدید بنا یا بازسازی تفکر دینی، در دو سه قرن اخیر از طرف رهبران، علما، مصلحان و متفکران دینی جهان اسلام به منظور حل و رفع مسئله‌ی عقب‌ماندگی و انحطاط داخلی و نیز برخورد، با مسئله‌ی غرب و هجوم فرهنگ و تمدن و استعمار غربی طرح و پیگیری شد. این تفکر به خصوص از نیمه دوم قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم تا دوره‌ی جنگ جهانی اول اندیشه‌ی غالب بر جریان‌های فکری، سیاسی مسلمانان بود و تأثیرات زیادی بر حیات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جهان اسلام به جا گذاشت.

سده‌ی اخیر سده‌ی بیدار ملت‌ها به خصوص ملل جهان اسلام بوده است. که با تغییر و تحولات شگرف و اساسی در ملل مشرق زمین و سرزمین‌های اروپایی همراه بوده است. شکی نیست که بیداری ملت‌های شرق مرهون، بیدارگری‌ها و تلاش‌های اندیشمندانی بوده است، که به طریقی سعی در آگاه نمودن و بیدارسازی وجدان خفته این ملل داشته‌اند، این مهم در کشورهای اسلامی اعم از ملل عرب و غیر آن خواه ناخواه سرایت نموده و سیر اندیشه‌های تازه و روحیه استقلال طلبی رفته رفته در این کشورها ریشه دوانیده و به تدریج ملل اسلامی را تا حدی از سلطه‌ی استعمار غرب رهانیده و آنان را به استقلال نسبی رسانده است. اما این میزان استقلال و آزادی ارزان بدست نیامده و روشنفکران مسلمان و تعدادی غیر مسلمان سهم بسزایی در این آزادی و رهایی داشته‌اند و در واقع آزادی و سربلندی این ملل مرهون تلاش‌های بی وقفه آنان بوده است.

عبدالرحمن کواکبی یکی از اندیشمندان مصلح سده‌ی اخیر بود، که در کشور سوریه متولد شد و آثار ارزشمندی از خود در میان ملل عرب و غیر عرب بجای گذاشت. توجه ویژه عبدالرحمن کواکبی به جلوگیری از بوجود آمدن حکومت استبدادی و توجه به حقوق افراد، وی را در مقابل نظریه پردازان واقع گرا = (تئوری پردازان استبداد) مانند: ماوردی، غزالی و ابن جماعه قرار می‌دهد که آزادی و استقلال را فدای امنیت و استیلا می‌نمایند و این جمله منسوب به ابن جماعه است که، «یک ساعت آشوب بدتر از چهل سال ستمگری است»

کواکبی برعکس نظریه پردازان واقع گرای، فوق‌الذکر، آزادی را در همه حال بر استبداد برتری می‌دهد و عقیده دارد که اصول اعتقادی اسلام نیز معتقد به آزاد گذاشتن مردم در حدود شریعت است. به نظر کواکبی مسئله اصلی جهان اسلام استبداد با وجوه و ابعاد گوناگون آن بوده است. از این رو کوشیده است در حد توان و دانش خود به کاوش در معضلی پردازد که فهم و راه‌های فایق آمدن بر آن از یک سو با اعتقادات مسلمانان و از سوی دیگر با میراث اندیشه‌های سیاسی مغرب زمین که دموکراسی یکی از جلوه‌های سیاسی، اجتماعی آن است ارتباط داشته باشد.

۱-۲- پیشینه و ادبیات موضوع:

بی تردید استبداد موضوعی بسیار حساس و حیاتی در نظام اندیشه‌ی سیاسی متفکر مسلمان، عبدالرحمن کواکبی است. او بر خلاف اندیشمندان واقع‌گرا (توجیه‌گران استبداد) = ماوردی، غزالی، ابن جماعه شخص مستبد و نظام برآمده از آن (استبداد) را مانع اصلی شکوفایی استعدادهای انسان می‌داند و جهت جلوگیری از شکل‌گیری نظام سیاسی استبدادی راهکارهای اساسی ارائه می‌دهد.

اما در رابطه با موضوع این تحقیق و پایان‌نامه (چرخش در نظریه پردازى سیاسی اهل سنت و تأثیری که سید عبدالرحمن کواکبی) در این راستا داشته‌اند، شخصاً به تحقیق و پایان‌نامه‌ایی برخورد ننموده‌ام، بنابراین لازم و ضروری دانستم که به جای توجه به بعد خارجی (استعمار) در شکل‌گیری نظام‌های خودکامه و استبدادی هم و تلاش خود را به بعد داخلی (استبداد) با وجوه و ابعاد آن معطوف نمایم.

اما با این حال کتبی هستند که به طور مستقیم و یا غیر مستقیم مختصر و یا به صورت کلی به بررسی افکار و نظرات کواکبی در مقوله استبداد پرداخته‌اند که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌کنم.

۱- کواکبی، سید عبدالرحمن (۱۳۶۳) طبایع الاستبداد در این اثر نویسنده ابتدا تعریف جامع و کاملی از استبداد ارائه می‌دهد و در ادامه به طور مفصل استبداد و تأثیرات آن را بر دین، بر علم، بر بزرگی، بر مال، بر اخلاق، بر تربیت، بر ترقی و پیشرفت مورد مذاقه و امعان نظر قرار می‌دهد و در فصل پایانی کتاب استبداد و راه‌های رهایی از آن را بحث می‌نماید.

۲- قادری، حاتم (۱۳۸۸) اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران.

کتاب در برگرفته‌ی یک مقدمه و هفده فصل است که در فصل اول نظام سیاسی خلافت (نظام سیاسی تسنن) در فصل دوم امامت (نظام سیاسی تشیع) را مفصلاً بحث می‌کند.

در فصل‌های چهارم و پنجم به افکار و نظرات اندیشمندان واقع‌گرا یا توجیه‌گران استبداد (ماوردی، غزالی) می‌پردازد.

در فصل ششم به معرفی و نظرات بدرالدین ابن جماعه که یکی دیگر از واقع‌گرایان است می‌پردازد، و نظرات و افکار واقع‌گرایان در نقطه مقابل افکار و نظرات کواکبی قرار دارد که به طور مفصل در پایان‌نامه به این تقابل خواهیم پرداخت.

در فصل پانزدهم نویسنده تلاش برای احیاء و مشکله‌ی استبداد می‌پردازد و به بررسی نظرات و افکار سیدجمال‌الدین اسدآبادی، محمد عبده و در نهایت مشکله‌ی استبداد را از منظر و دید کواکبی بحث می‌نماید.

۳- عنایت، حمید (۱۳۷۰) سیری در اندیشه سیاسی عرب.

به عقیده‌ی نویسنده‌ی کتاب، جنبش ملت‌های عرب برای استقرار و بهبود وضع اجتماعی خویش کم و بیش، همزمان با بیداری ایرانیان در قرن ۱۳ هجری (۱۹ میلادی) آغاز شد.

کوشش نویسندگان و روشنفکران عرب در بنیاد گذاری این جنبش اثری بزرگ داشت، همانگونه که نویسندگانی مانند سیدجمال الدین، طالبوف، مراغه ای و حبیب اصفهانی در بیداری مردم ایران و آمادگی برای انقلاب مشروطه موثر بودند، جنبش عرب نیز برای رهایی از تسلط ترکان و بعدها استعمار غرب، به رهبری نویسندگان مصری و سوری قرن سیزدهم قمری/ نوزده میلادی آغاز شد، که یکی از نویسندگان و روشنفکران جهان عرب سید عبدالرحمن کواکبی است، که نویسنده در فصل سوم کتاب تحت عنوان تجدد فکر دینی و معرفی افکار و نظرات و دو اثر مهم او به نام های طبایع الاستبداد و ام القری و کنگره های اسلامی به طور مفصل پرداخته است

۴- خدوری، مجید، (۱۳۶۹) گرایش های سیاسی در جهان عرب)

کتاب از یک مقدمه و ده فصل تشکیل شده است. در فصل اول تحت عنوان پیدایش ناسیونالیسم، کواکبی و تعریف از ناسیونالیسم و برخورد سلطان عبدالحمید با وی و همفکرانش می پردازد. در فصل سوم نویسنده احیای اسلام را مطرح می نماید و افکار و برنامه های اخوان المسلمین که از اندیشه های کواکبی تأثیر پذیرفته اند به طور مفصل مورد بحث و بررسی قرار می دهد. بیش از صد سال است که نهضت های سیاسی نوین در جهان اسلام رخ داده است. آنچه که از این نهضت ها به جهان عرب مربوط می شود، برای جهان اسلام از اهمیت خاصی برخوردار است. مجید خدوری نویسنده کتاب کوشش نموده با روشی تحلیلی، این بخش از تحولات جهان عرب را روشن سازد و به خوبی از عهده ای این مهم برآمده است. لذا تأثیر عبدالرحمن کواکبی و چرخش در نظریه پردازی سیاسی اهل سنت موضوع تازه ای است که در این نوشتار مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱-۳- سؤال اصلی پژوهش:

عبدالرحمن کواکبی چه تأثیری در تحول نظریه پردازی سیاسی اهل سنت در دوران معاصر داشته است؟

۱-۴- فرضیه ی اصلی پژوهش:

به نظر می رسد نظریه پردازی اهل سنت از شکل قدیمی آن که اساساً امنیتی و مبتنی بر نظریه استیلا بوده است، با نقد افرادی چون عبدالرحمن کواکبی در دوران معاصر به سمت برجسته شدن حقوق افراد و نفی استبداد چرخش داشته است.

۱-۵- متغیرها:

۱-۵-۱- متغیر مستقل: تأثیر عبدالرحمن کواکبی.

۱-۵-۲- متغیر وابسته: چرخش نظریه پردازى سیاسى اهل سنت.

۱-۶- روش تحقیق:

روش تحلیلی توصیفی است با بهره گیری از منابع اسنادی در پی وقوف نظریه متفکری مانند عبدالرحمن کواکبی (جلوگیری از استبداد، توجه به حقوق افراد) و چرخش آن بر نظریه پردازانی مانند ماوردی، غزالی، ابن جماعه (واقع گرایان = تئوری پردازان استبداد) در ملل مشرق زمین، اعم از عرب و غیر عرب می باشد. روش آزمون فرضیه روش کتابخانه‌ایی است.

دامنه‌ی زمانی و مکانی از نظر زمانی تاریخ غلبه تفکر دفاع از حقوق افراد، در قرون معاصر بر تفکر کهنه قرون میانه (از قرن چهارم تا نهم هجری) که اساساً مدافع حکومت استیلایی بود و از نظر مکانی ملل مسلمان اعم از عرب و غیر عرب می باشد.

۱-۷- روش آزمون فرضیه :

روش آزمون فرضیه روش کتابخانه‌ایی است.

۱-۸- دامنه‌ی زمانی و مکانی:

از نظر زمانی تاریخ غلبه‌ی تفکر دفاع از حقوق افراد، در قرون معاصر بر تفکر کهنه‌ی قرون میانه (از قرن چهارم تا نهم هجری) که اساساً مدافع حکومت استیلایی بود و از نظر مکانی ملل مسلمان اعم از عرب و غیر عرب می باشد.

۱-۹- چارچوب نظری پژوهش:

تجزیه و تحلیل تأثیر عبدالرحمن کواکبی در چرخش نظریه پردازى اهل سنت، از جمله مباحثی است که از زوایای گوناگون تاریخی، سیاسی و اجتماعی قابل بررسی است و بالقوه و بالفعل ظرفیت طرح دیدگاه‌های متفاوت و حتی متضاد را در بطن خود دارد.

در یک بررسی و تبیین تاریخ اندیشه، آنچه در وهله‌ی نخست حائز اهمیت است، حرکت در چارچوب روش تاریخی و تحلیلی و توجه و استناد به قرائن و شواهد محکمی است که در منابع معتبر تاریخی و سیاسی بازتاب یافته است. از این سخن، دو وجه منطقی و کاربردی قابل استنتاج است؛

نخست آن که استفاده از دیدگاه‌ها و نظریات نوین برگرفته از علوم سیاسی در پژوهش‌های سیاسی و تاریخی، می‌تواند نقش تکمیل‌کننده‌ی پژوهش را ایفا کرده است.

دوم آن که هیچ یک از این دو، نظریه‌های نوین و قرینه‌های تاریخی، نمی‌توانند و نباید جایگزین یکدیگر شده و حذف یکی به بهای افزایش نقش دیگری، موجبات تضعیف روند پژوهش را فراهم خواهد ساخت. این پژوهش در چارچوبی نظری متشکل از گفتمان‌های متفکران و سیاست، نظریه پردازی و با تأکید ویژه بر نگرش تاریخ اندیشه سامان یافته و تلاش می‌کند در این چارچوب، جایگاه و کارکرد نخبگان و متفکران سیاسی جامعه‌ی اهل سنت را بر محور حضور آن‌ها در سطوحی از نظریه پردازی در اندیشه‌ی اهل سنت مورد بررسی قرار دهد.

چنین پژوهشی از آن‌جا که به تجزیه و تحلیل ابعاد گوناگون مؤلفه‌های سیاست، دین، هویت و تقابل سنت و مدرنیته و نسبت و رابطه‌ی هر یک از آن‌ها با مسأله‌ی نظریه پردازی می‌پردازد، در نهایت می‌تواند چارچوبی عینی در زمینه‌ی تعامل نظریه‌ی سیاسی در گفتمان اهل سنت ترسیم نماید.

از دیگر نتایج چنین پژوهشی فراهم آوردن زمینه‌ی ارزیابی برخی دیدگاه‌های موجود در باب نسبت بین مؤلفه‌های تقابل سنت و مدرنیته و نقش آنها در چرخش سیاسی اهل سنت است. این ارزیابی نشان خواهد داد نظریه‌هایی که اغلب بر پایه‌ی واقعیت‌های دیگر جوامع شکل گرفته و عرضه شده‌اند، قابلیت انطباق چندانی بر جامعه و تاریخ ممالک اسلامی و تبیین رویدادها و تحولات آن را ندارند.

۱-۱۰- اهمیت پژوهش:

در این پژوهش و تحقیق هدف آن است که به علل و عوامل خارجی (مانند حمله مغولان به بلاد اسلامی، نقش استعمار در کشورهای مسلمان‌نشین) بی‌اهمیت و کم‌رنگ جلوه داده شود و توجه، به حقوق افراد که مانع و مخالف شکل‌گیری حکومت‌های استبدادی است، و به (جنبه‌ی داخلی حکومت) مبارزه با استبداد و ابعاد و زمینه‌های آن معطوف نماید و با بیان افکار و نظریات عبدالرحمن کواکبی به اختلاف نظر وی، با متفکرین واقع‌گرای قرون میانه (طرفداران نظریه‌ی استیلا) = تئوری پردازان استبداد «ماوردی، غزالی، ابن جماعه» بپردازد.

۱-۱۱- اهداف تحقیق (پایان نامه):

هدف از انجام این تحقیق و پایان نامه این است که مطالب آن بتواند نوری بر تاریکی بخشی از تاریخ اندیشه سیاسی اهل سنت بیندازد. بدین مفهوم که استیلا و دفاع از حکومت‌های استبدادی نمی‌تواند بخش ذاتی تفکر اسلامی باشد و امثال عبدالرحمن کواکبی به عنوان طلایه‌دار بطلان چنین تفکری توانسته است، راه را بر خوانش‌های جدیدی از آموزه‌های دینی در دفاع از حقوق شهروندان در برابر حاکمان مستبد باز کند.

۱-۱۲- سازماندهی تحقیق:

رئوس کلی مطالبی که در ادامه‌ی این پایان نامه ارائه خواهد شد به قرار زیر است.

فصل اول: بیان مسئله، پیشینه و ادبیات موضوع، سؤال اصلی تحقیق (پژوهش)، فرضیه اصلی تحقیق (پژوهش)، متغیرها، روش تحقیق، روش آزمون فرضیه، دامنه‌ی زمانی و مکانی، چارچوب نظری پژوهش، اهمیت پژوهش، اهداف تحقیق (پایان نامه)، سازماندهی تحقیق.

فصل دوم: بنیادهای نظریه پردازسی کلاسیک اهل سنت با تأکید بر نظرات ابوالحسن ماوردی، امام محمد غزالی، ابن جماعه = «تئوری پردازان استبداد» (شیب نظریه استیلا، حفظ وضع موجود بجای توجه به وضع مطلوب).

فصل سوم: زمینه‌های اندیشه سیاسی کواکبی در دو بعد سیاسی و اجتماعی.

فصل چهارم: بنیادهای اندیشه سیاسی کواکبی (چرخش به سمت مردم سالاری، توجه به حقوق افراد، جلوگیری از شکل‌گیری استبداد).

فصل پنجم: تأثیرات اندیشه سیاسی کواکبی.

فصل ششم: نتیجه‌گیری کلی موضوع.

فصل دوم

بنیادهای نظریه پردازى سياسى کلاسیک اهل سنت با

تأکید بر آراء و نظریات

(ابوالحسن ماوردی، امام محمد غزالی، بدرالدین ابن

جماعه = تئوری پردازان استبداد)

۲-۱- مقدمه:

سه نام در تاریخ اندیشه سیاسی اهل سنت برجسته‌تر از نام‌های دیگر است. ابوالحسن ماوردی (متوفای ۴۵۰ ه. ق) ابو حامد محمد غزالی (متوفای ۵۰۵ ه. ق) و بدرالدین ابن جماعه (متوفای ۷۳۲ ه. ق) ماوردی زمانی ضرورت خلافت را توجیه می‌کند، که تسلط آل‌بویه طرفدار شیعه بر دستگاه خلافت پایان یافته بود و بالا گرفتن کار غزنویان سنی، جو مناسبی را برای تحکیم اقتدار دستگاه خلافت پدید آورده بود.

ماوردی علی‌الظاهر از تفوق و تجزیه‌ناپذیری خلافت دفاع می‌کند، ولی از آنجا که در شرح و بسط صفات، روش‌های منصب‌بخشی و وظایف خلافت نه فقط بر موازین شریعت بلکه بر سوابق تاریخی آن چنانکه در اجماع امت تبلور یافته تکیه می‌کند، در نتیجه تلویحاً می‌پذیرد که اقتدار سیاسی می‌تواند به اندازه هنجارهای دینی معتبر باشد. (ماوردی، ۱۳۸۰: ۳۳ و ۳۴)

قدم دیگر را در این راه غزالی برداشت، که در روزگار او اوضاع و احوال حتی بدتر از زمان ماوردی شده بود خلیفه دیگر بخشنده قدرت نبود، بلکه صرفاً مشروعیت بخش به حقوقی بود که با نیروی زور کسب شده بود. به نظر غزالی در این زمان حکومت صرفاً تابع قدرت نظامی است و هر آن کس که دارنده قدرت نظامی با او بیعت کند، خلیفه است.

مرحله تکامل خلافت کلاسیک توفیق ابن جماعه بود، که اعلام داشت صرفاً و صراحتاً قدرت نظامی تشکیل دهنده اساس حکومت است. که در ادامه به شرح نظرات سه اندیشمند واقع‌گرای قرون میانه خواهیم پرداخت.

۲-۲- ابوالحسن ماوردی:

ابوالحسن ماوردی که نام کامل وی «ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب ماوردی» است. به سال ۳۶۴ ه. ق ۹۷۴ م در بصره متولد شد، تحصیلات خود را در بصره به پایان رسانید و در عنفوان جوانی ادیبی نامور گردید او خود را به ویژه برای اشتغال در امور قضایی آماده ساخت و منصبی در دستگاه دولت بدست آورد به عنوان قاضی در نقاط مختلفی بکار پرداخت و سرانجام در بغداد مستقر گردید. در سال ۴۲۹ ه. ق ۱۰۳۷ م خلیفه القادر چهار تن از فقهای مذاهب اربعه (حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی) را به حضور خواست تا به تدوین یک رساله فقهی بپردازند، ماوردی برای نوشتن فقه شافعی انتخاب گردید و کتاب الاقناع را نوشت.

ابوالحسن احمد بن حمدان القدوری اثر معروف خود را بنام المختصر در فقه شافعی نگاشت ولی دو کتاب دیگر اعتبار چندانی نداشت، خلیفه اثر ماوردی را بهترین آن‌ها شناخت و او را به سمت اقصی القضاتی^۱ منصوب نمود که مورد اعتراض بسیاری از فقهای بزرگ قرار گرفت، و به نظر معترضین این عنوان به هیچ کس غیر از خدای متعال برازنده نیست، ولی ماوردی به این اعتراضات توجهی نکرد و مقام خود را تا هنگام مرگ در سال ۱۰۵۸/۴۵۰ حفظ نمود، زیرا فقهای معترض در گذشته عنوان مالک الملوک الاعظم را برای جلال الدوله پادشاه آل بویه پذیرفته بودند. (صدرا، ۱۳۷۱: ۱۸۴)

گرچه ماوردی سنی متعصب و فقیه شافعی مذهب بود، ولی این اقبال را داشت که مورد عنایت آل بویه و عباسیان قرار گیرد. ولی عنایت آل بویه که (سلسله‌ای شیعه مذهب بودند) به ماوردی، به سبب سیاسی و بدان جهت بود که او غالباً به حل اختلافات روزانه آن‌ها با دربار کمک می‌کرد.

یاقوت حموی می‌نویسد: ماوردی بسیار مورد احترام سلاطین آل بویه بود، که وی را به نمایندگی برای حل اختلافات خود یا مخالفانشان برگزیده بودند و از میانجیگری او راضی و راه حل‌هایش را تأیید می‌کردند. (صدرا، ۱۳۷۱: ۴۴)

ماوردی هدف از نوشتن کتاب الأحکام السلطانیه را به منظور بیان اقتدار خلفای عباسی در برابر امرای آل بویه که کنترل دولت عباسی را در دست داشتند می‌داند.

ممکن است پرسیده شود چنانچه قدرت موجود تا این حد در اختیار امیران آل بویه قرار داشت، چرا آنان باید با شناسایی و اقتدار دنیوی و دینی برتر خلفای عباسی با ذکر نام آنان در نماز جمعه و عقد پیمان با آنان موافقت کنند؟ پاسخ را باید در ماهیت خاص دولت اسلامی به عنوان وحدت دینی، سیاسی تحت اقتدار قانون اسلامی به یک میزان حکومت کننده و حکومت شونده را محدود می‌سازد جستجو کرد. چنانچه حاکمان می‌خواستند بدون هیچ رادع و مانعی در قدرت بمانند، این اصل بنیادی که اقتدار اعطاء شده به خلیفه‌ی مشروع از سوی اجماع امت یا جماعت تنها اقتدار قانونی است، که مسلمانان می‌توانند به آن گردن نهند، نمی‌توانستند نادیده انگارند. همین اقتباس به قانون‌گرایی و مشروعیت که اقتدار واگذار شده به آن‌ها را تأیید می‌کرد و آنان را از بدنامی طغیان یا غضب‌رهایی می‌داشت تنها به این طریق امکان حفظ وحدت امت اسلامی در تحت امر امیر وجود داشت. بنابراین وظیفه‌ی فقهای سنی نه تدوین و تفسیر آموزه‌ی خلافت بلکه انطباق وضعیت تاریخی، سیاسی موجود با شریعت از طریق تفسیر قرآن، سنت و حدیث در پرتو واقعیت سیاسی و به منظور حفظ وحدت امت اسلامی بود.

ماوردی، بر ضرورت امامت تأکید می‌ورزد و به عنوان مقدمه به بیان اقتدار و مرجعیت قرآن می‌پردازد

«امامت به منظور جانشینی نبوت در دفاع از دین و اداره جهان تأسیس یافته است». (ماوردی، ۱۳۸۰: ۱۱)

^۱ بزرگترین قاضی ولی برخلاف آنچه به ظاهر می‌نماید از لحاظ اداری تابع قاضی القضاة و یا پایین تر از آن بوده است.